

# ابتکارنامه

طراحی شده در مجتمع فنی مهربانتکار

## جبر یزیدی





## جبر تحمیلی

آشنا با اتوكد و اكسل  
و فری هند و آوت لوک و كورل

باید البته لطف هم بکنند  
چای هم، بین تایپ، دم بکنند

بکشد وانگهی به خوش رویی  
هفته ایی یک دوبار جارویی

این که از این، حقوق هم فعلاً  
ماهیهانه چهارصد هزار تومن!

پس بیایید و عز و جز نکنید  
بی خودی هی جلز ولز نکنید

تازه از بعد آن گرفتاری  
نوبت رخوت است و بیکاری

بعد مستی، خمار باید بود  
هی به دنبال کار باید بود

آنچه داروی دردمندی هاست  
صفحات نیازمندی هاست

گر رضایت دهی تو آخر سر  
که شوی منشی فلان دفتر

به تو گویند : بعله، دفتر ما  
هست محتاج آدمی دانا

شوخی و طعن این و آن تا چند؟  
ترس و کابوس امتحان تا چند؟

غرق بحر تفکرید که چی؟  
بی خودی غصه میخورید که چی؟

گیرم اصلاً شما به طور مثال  
کشکی، از بخت خوش، به فرض محال

زد و شایسته دخول شدید  
توی کنکور هم قبول شدید

یا گرفتید با درایت و شانس  
مدرک فوق دیپلم، لیسانس



## کنکور از نگاه جامع

کنکور برای شما جز چند ورقه پاسخنامه و پرسشنامه چیز دیگری نیست ... با یک قلم اتود یا HB که از نظر من قلم دیزاین خیلی بهتر است .  
سر وقت پاسخنامه میروید و آن را پر میکنید... ۲۱ ۳ ۴.... برای شما این اعداد معنی خاصی ندارند ولی برای زندگی شما هر یک از این اعداد تعیین کننده ی سرنوشت ۶۰ الی ۷۰ ساله ی بعدی شماست .... اشتباهاً به جای گزینه ۲ گزینه ۳ را بزنید ، شاید شما را ۲۰۰ کیلومتر از شهرتان دور کند ...  
دو بار همچین اشتباهی را مرتکب شوید اینبار ۲۰۰ کیلو به شهرتان نزدیک تر می شوید! فرقتش در آن است که دیگر دانشجوی پزشکی نیستید!  
دانشجوی رشته دیگری هستید... هرچه باشد، باشد ! میخواهد اصلاً رشته فضاوردی باشد... ولی توجه کنید که پزشکی نیست! ... دیدگاه من از  
کنکور چیز مقدسی است! آدم و حوا را با یک سیب ( گندم - جو یا هر چیز دیگری) ۷ طبقه به پایین پرت کردند! آن هم فقط بخاطر یک سیب  
( یا هر چیز دیگری) ... ما برعکس این روال را داریم! با یک سیب خوشمزه از هر نقطه ی این کره خاکی ( آبی - یخی - بیابانی و یا هر چیز دیگری)  
میتوانیم به عرش برسیم! این فرصت نه فقط برای من نه فقط برای تو بلکه برای همه ی ماست!



## الزامات مزمن (رنج سنی ۱۸+)

رفتن به مهمانی های کسالت بار خانوادگی  
تحمل صدای جاروبرقی صبح روزهای جمعه  
نصب اینستاگرام و فیلترشکن برای والدین  
پاسخ دادن به تمام سوالات به جا و نابجای فامیل  
پاس کردن دروس غیرمرتبط با رشته در دانشگاه

کنکور و قبولی در رشته های درست حسابی  
بیدار شدن صبح زود و چاره جویی برای آینده  
تبریک عید به تمام فامیل  
تحمل وفاداری چربی شکم  
گذراندن واحد تربیت بدنی ۲۰ در دانشگاه  
خندیدن به جک های بی نمک شوهرعمه



## کنکور نیست که! بلای جان است.

باید دوپست تا کتاب بچینی دور و برت و خانه را شلوغ کنی اما هیچ کدام از نمونه سوال هایش در آزمون نیاید و سر جلسه آزمون حسابی سوپرایز شوی. بدتر از همه این است که نمونه سوالات سال های قبل، پر از سوال های مشابه با کنکورهای قبل تر باشد اما نوبت تو که می رسد طراحان محترم یا عوض می شوند یا سوالات جدیدی کشف می کنند. انگار هرکدام سوال تازه تری بسازد جایزه دارد!

نمی دانند چند هزار طفل معصوم نشسته اند سر جلسه آزمون و قبل از هر سوال، خدایشان را بیش از هر موقعی یاد می کنند و بعد از هر سوال، درودی بر روح پر فتوح طراحان می فرستند...

هنگام ثبت نام برای کنکور، خودت را در اتاق عمل هنگام جراحی تصور می کنی، با دستانی خون آلود، بالای سر بیمار، که صدای ضربان قلبش از دستگاه شنیده می شود، به آن لحظه ای فکر می کنی که از اتاق عمل بیرون می آیی و خانواده بیمار با گریه می افتند دنبالت. -تورو خدا حال بچه ام چطور است؟ شما هم همانطور که کلاه جراحی را از سرتان در می آورید، نفسی عمیق می کشید و آرام می گوئید: خوشبختانه خطر رفع شد! سپس با غرور سالن را ترک می کنید.

یک ماه مانده به کنکور که مشغول تست زدن هستی و کمی به ستوه آمده ای، خود را در روپوش سفید پرستاری تصور می کنی که گوشی پزشکی در گوش، مشغول گرفتن فشار بیماران است ... اما سر جلسه کنکور که می نشینی در همان هول و ولای ده بیست سی چهل کردن پاسخ به سوالات، ناچاری خود را منشی همان بیمارستانی فرض کنی که چندماه پیش، جراحش بودی!

جوانان! شب زنده داران! اگر می خواهید به دانشگاه بیایید، یا باید خیلی خوب بخوانید یا باید خیلی خوب بچلانید. جیب هایتان را عرض می کنم! خوب بخوانی و خوب پول داشته باشی که نور علی نور است. خوب بخوانی و خوب پول نداشته باشی هم خیلی غصه نخور، از همین الان قبولی.

خوب نخوانی و خوب پول داشته باشی هم که اصلا مشکلی نیست، صندلی های دانشگاه چشم به راهت هستند. اما امان از لحظه ی تلخ زندگی! آن جا که نه خوب خوانده ای نه خوب پول داری.

فقط می توانی به انداختن یک عکس یادگاری آن هم جلوی در دانشگاه مورد علاقه ات بسنده کنی... حالا بیایید بگوئید ببینم علم بهتر است یا ثروت...

نقیسه نصر اصفهانی

## واژگان در دنیای موازی

۳۰ پلاس پلاس: فشارخون من، وقتی مامانم میگه این چیه تو جیبت؟

مزید امتحان: بچه هایی که زیاد پیگیر امتحان بودند و به معلم یادآوری میکردند.

سانتریفیوز: حالتی که در آن با دیدن سوالات کنکور، فیوز شخص به صورت سانتری میپرد.

توپوزیسیون: همسایه هایی که مخالف فوتبال بازی بچه ها تو کوچه بودند و اوزیسیون توپ رو جر میدادند.

بشاش: من همیشه دوست داشتم تو مدرسه بشاش باشم، ولی دستگاه گوارشم بهتر از کلیه و مجاری ادراریم کار میکرد.

بغضرنج: حالتی که بعد از بازی و شیطونی با بچه ها افتاده بودی و بدنت زخمی بود و مامانتم تورو با دیدن اون حالت دوباره کتک میزد.

## تنظیمات محرم

تبدیل سه پک به سیکس پک  
تبدیل هوندا به یاماها آبروکس  
آموزش تزئین نذری در ۳ جلسه (بصورت فشرده)  
آموزش جستجوی نذری های دهن پُرگن در سایت نذری یاب  
خرید البسه مشکی تک رنگ با تم تابستانه (ترجیحاً کمی براق)  
انجام تحقیقات محلی و میدانی برای پیوستن به هیئت های High Level  
آموزش تک چرخ و ترک نشینی با موتورهای نیمه سنگین تا فوق سنگین  
تکمیل تمرینات پرس سینه برای تردد به صورت سینه کفتری و کسب تَبحر در پاره کردن طبل

## هر انسان یک مکتب

اگزستانسیالیسم: مکتبی که به دنبال حقیقت و جستن معنا بود همانند حر بن یزید.

سوسیالیسم: مکتبی که به برابری افراد جامعه نگاه ویژه ای داشت و از ضعفا و افراد کم توان حمایت می نمود که همانند نگاه حسین بن علی در روز عاشورا میتوان وصف نمود.

توتالیتراریسم: این مکتب شکلی از حکومت را جویا بود که با استفاده از قدرت و با ایجاد فضای خفقان ، با سوء استفاده از اعتقادات مردم خود را مشروع جلوه میداد که دیدگاه یزید بن معاویه دقیقاً همانند این مکتب عمل نمود.

فمینیسم: این مکتب به برابری زن و مرد نگاه ویژه ای داشت که میتوان زینب کبری را به عنوان مثالی بی نظیر در این مکتب دانست که با قدرت تمام در زمان بیماری امام سجاد واقعه ی عاشورا را روایت نمود.

فاشیسم: این مکتب به از بین بردن آزادی های دموکراتیک و ترویج نژادپرستی می پرداخت که آن را می توان به دیدگاه عبدالله بن زبیر تشبیه نمود.

آنارشیسم: این مکتب به تغییر با استفاده از انقلاب برای سقوط اقتدار و حکومت، توسل به خشونت علیه باطل و داشتن یک تفکر آرمانی اشاره دارد که آن را به درستی میتوان به دیدگاه مختار ثقفی شباهت داد.

## کمی تأمل

کاش عزاداری محرم در همان سال های کودکی کنج منزل بی ریای مادر بزرگ و میان گریه های کوتاه اما واقعی بزرگترها تجلی می یافت . جایی که با یک چای و خرمای ساده از عزاداران پذیرایی می شد و مردم با باورها و آزادی خواهی های حسین بن علی روزگار میگذراندند. کاش به این روزهای نمایشی و چشم و هم چشمی نمی رسیدیم و حُریت از محله و جامعه مان زدوده نمی شد و نگاه ظلم ستیز او که عزیز و شریف بود با اشک های مصنوعی از چشم ها نمی افتاد...

" اگر دین ندارید و از معاد نمی هراسید لااقل در دنیای خود آزاده باشید "